

تبیین نقش مدیریت محله‌ای بر پایداری اجتماعی شهر تهران از طریق سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده شهری

احمد پورا احمد^{۱*} (نویسنده مسئول)، حمیدرضا بابایی^۲، ابوالفضل رفیع^۳

^۱ استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

^۲ عضو هیأت علمی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

^۳ دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۲

چکیده

برنامه‌ریزان شهری در سال‌های اخیر با رویکردی مبتنی بر مدیریت محله‌ای و به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، سعی در حل مسائل شهری و ارتقا پایداری اجتماعی در شهر کرده‌اند. هدف مقاله حاضر ادراک مدلی مناسب مدیریت محله‌ای به منظور پایداری اجتماعی شهر تهران، با تأکید بر سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده است. این مقاله بر پایه مطالعات توصیفی-تحلیلی پس از گردآوری داده‌ها و اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه استاندارد و محقق ساخته به صورت پیمایشی انجام گرفته است. جمعیت آماری شامل تمامی شهروندان مناطق ۱، ۵، ۸، ۱۱ و ۱۷ شهر تهران است که از آن ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شدند. آلفای کربناخ محاسبه شده برابر با ۰/۹۴۵ به دست آمد که نشان می‌دهد همبستگی کافی بین گویه‌های پرسشنامه با متغیرشان وجود دارد. نتایج به دست آمده بیانگر تأثیر معنادار مدیریت محله‌ای بر سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده می‌باشد. این تأثیر به میزان ۰/۴۰۲ است. همچنین حضور متغیر میانجی، مدیریت محله‌ای با سرمایه اجتماعی و رابطه سرمایه اجتماعی با متغیر پایداری اجتماعی شهر تهران با ۰/۹۵ اطمینان معنادار بوده است. در مجموع نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که اگر مسئولان برنامه‌ریز محلی شهر تهران بتوانند با افزایش میزان اعتماد از طریق مطلوبیت عملکرد، تعهد به وظایف و در نهایت کسب پذیرش مردمی به کشف شبکه‌های غیررسمی سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده نائل شوند، این نوع از سرمایه‌ها، به گسترش روابط عمودی بین مدیریت محله‌ای و سطوح بالاتر تبدیل شده و پیوندهای درونی در محله، حس تعلق و مشارکت افزایش خواهد یافت. این نوع از سرمایه‌ها از طریق ارتقا، سطح آگاهی، اعتماد و پیوندهای درونی تقویت شده و به ایجاد انجمن‌های توسعه محلی که یکی از عوامل اصلی و بنیادی تحقق پایداری اجتماعی شهر است، می‌انجامد.

واژگان کلیدی: مدیریت محله‌ای، سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده، پایداری اجتماعی، شهر تهران.

کرده و تعلق محله‌ای شهروندان را افزایش می‌دهد. این سرمایه‌ها با تشکیل شبکه‌های ارتباطی بسیار نیرومند، کارساز بودن برنامه‌ها یا شکست آنها را رقم می‌زنند و در نهایت سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، به ایجاد مایه‌های مدیریت شهری (اشتغال، آموزش، امنیت، مشارکت، برابر فرصت‌ها و...)، کمک شایانی خواهد کرد (رفعیان و شالی، ۱۳۹۱). بنابراین مدیریت محلی برای بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده و اتخاذ بینش کاربردی مشارکت‌محور، باید بر این فرایند صحه بگذارد، در غیر این صورت به دلیل فقدان مشروعیت، هرگونه کارآیی و مطلوبیت لازم را نخواهد داشت و به مدیریت شهری منتهی نخواهد شد.

با عنایت به مطالب بالا، در شهر تهران، به دلیل ضعف سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده و مشارکت‌جو وجود نداشته یا دچار ضعف بوده، مدیریت شهری شکل نگرفته است (توکلی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۱) این وضعیت، نشان می‌دهند که در شهر تهران فعالیت‌های انجام شده تاکنون فاقد بینش کاربردی مشارکت‌محور و پیونددهنده بوده است و از سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده بهره‌مند نشده است (Babaei, 2012؛ مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲). براین اساس و با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته (Das, 2014؛ Villa, 2001)، عامل اصلی این است که تاکنون مدیریت محلی در کلان‌شهر تهران با موفقیت همراه نبوده و نتوانسته از سرمایه‌های اجتماعی به‌خوبی استفاده نماید (مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲). ناکارآمدی‌ها و چالش‌های مدیریتی شهری به دلیل غفلت از سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده و عدم تمایل به مشارکت نزد شهروندان تهرانی، به‌وضوح قابل مشاهده است (توکلی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۱). بنابراین عدم بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده و مشارکت‌جو با عدم پایداری اجتماعی قرین خواهد بود. مدیریت محلی در شهر تهران از سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده و مشارکت‌جو، تاکنون نتوانسته است بهره‌بردار در واقع در فرایند اجرای مدیریت محلی در شهر تهران، مشارکت‌های سرمایه‌های اجتماعی دچار ضعف اساسی بوده است. در نتیجه جامعه شهری با آسیب‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو بوده و در نهایت، روند پایداری اجتماعی با خدشه و اختلال مواجه شده است. از دیگر عوامل ناکارآمدی سیستم مدیریت محلی و محله‌ای در شهر تهران می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: ناکارآمدی در احیای بافت فرسوده و ناتوانی در جذب مشارکت شهروندان در شهر تهران (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲)، ناکارآیی و اثربخشی مدیریت محله در ارتباط با اجتماعات محلی در منطقه ۱۰ تهران، نبود بستر مناسب برای بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده، مطالعه در محله امام‌زاده حسن (رفعیان و دیگران، ۱۳۹۲)، وجود نگرش بخشی و دید از بالا به پایین و بدون بازخورد نقش مردم در فرایند برنامه‌ریزی در منطقه ۹ شهرداری (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲). براین اساس سؤال اصلی تحقیق این است که: مدیریت محلی با تأکید

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی موجب شده است که شهرها با چالش‌های نوینی روبه‌رو شوند. از مهم‌ترین این چالش‌ها، ضعف در جلب مشارکت شهروندان و چگونگی دست‌یابی به «پایداری اجتماعی شهرها» است (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۳). به گفته داس، این یک حقیقت است که شکل‌گیری پایداری اجتماعی، مهم‌ترین مشکل مدیران شهری محسوب می‌شود و با وضعیت کنونی، تحقق کامل آن را باید جزو آرمان‌ها تلقی کرد (Das, 2014). از سوی دیگر؛ نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تحقق مدیریت شهری با مفاهیمی نظیر «میزان مشارکت شهروندان»، «سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده»، «نحوه مدیریت محلی» و... در ارتباط تنگاتنگ است (مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲؛ توکلی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۱)؛ با این شرط که برای حل این مشکل از مدیریت در سطحی خردتر و عینی‌تر بهره‌گرفته شود (خاک‌پور و دیگران، ۱۳۸۸؛ Friedman, 1993). براین اساس؛ برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری در سال‌های اخیر با رویکردی مبتنی بر مدیریت محلی و به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، سعی در حل این مشکل و ارتقا و بهبود مدیریت شهری داشته‌اند (بدری، ۱۳۸۷). براساس نتایج پژوهش لمن و کاکس، اتخاذ بینش مبتنی بر مشارکت سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده همراه با افزایش توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، فناوری و فرهنگی لزوماً باید به مدیریت شهری بیانجامد (اسلامی، ۱۳۸۱). در واقع با بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، ظرفیت جامعه برای استفاده و تغییر شکل سیستم بهره‌وری شهری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات (عدالت شهری)، واکنش به انواع فشارها و مشکلات محله‌ای (انعطاف‌پذیری)، افزایش مشارکت اجتماعی و ادامه استفاده و تداوم برنامه‌های شهری (ثبات)، افزایش خواهد یافت (مولدان و بیلهاوزر، ۱۳۸۱). هال^۱ و ایگر^۲، در پژوهش‌های جداگانه‌ای اذعان می‌دارند که سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده شهری در صورت وجود مدیریت محلی کارآمد، می‌توانند کارآ باشند و به مدیریت شهری بیانجامد (Hall, 2005; Egger, 2005). موس^۳ در تبیین این رابطه می‌گوید، اگر بتوانیم به سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده و مشارکت‌جو بها بدهیم، مدیریت محلی قوی‌تر و توانمندتری خواهیم داشت، مدیریت محلی قوی‌تر و توانمندتر لزوماً دسترسی بیش‌تری به منابع قدرت دارد و در نتیجه پایداری اجتماعی اتفاق می‌افتد (Moss and et al., 2006; Woolcock, 2001).

از سوی دیگر، با توجه به نظر کرسول^۴ و با تأکید بر نظریه ولکوک، سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده و مشارکت‌جو، جنبه انباشتی داشته و به تسهیل روند مدیریت محلی کارآمد، منجر خواهند شد که در نهایت به مدیریت شهری می‌انجامد. هم‌چنین، سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، میزان اعتماد به برنامه‌ها و ساختارهای دولتی و نهادهای تصمیم‌گیر حوزه شهری را مشخص

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، منابع در دسترس هستند که دارای‌های شخصی محسوب نمی‌شوند و هیچ فردی نمی‌تواند آنها را به مالکیت خود درآورد. این سرمایه‌ها، دارای‌های بالارزشی هستند (فیلد، ۱۳۸۵: ۲۱) و توانایی این را دارند که به افراد، مشارکت بخشند (Putnam, 2000: 19; Woolcock, 1998). سرمایه اجتماعی شهری، سرمایه و موهبتی نامحسوس شناخته می‌شود که بیش از آن که به فرد تعلق داشته باشد، متعلق به جامعه است و نداشتن توانایی یک فرد یا حتی گروهی از جامعه را می‌تواند جبران کنند (Jen-kins, 1992; Robbins, 2000). مفهوم سرمایه اجتماعی شهری در این پژوهش به دارای نامحسوس اجتماعی هر محله اطلاق می‌شود که زمینه‌ساز مشارکت شهروندان در نظام مدیریت نوین محله‌ای خواهد بود. برای سنجش سرمایه اجتماعی شهری از سه سازه استفاده خواهد شد که عبارتند از: ۱. اعتماد اجتماعی، ۲. انسجام اجتماعی، ۳. مشارکت اجتماعی (معصومی، ۱۳۹۰، ملکان و ملکان، ۱۳۹۰).

تعریف عملی: در پژوهش حاضر، متغیر سرمایه اجتماعی^۱ با استفاده از دو پرسشنامه P. Bullen & J. Onyx, 2011 و Measuring social capital, 2004 و محقق ساخته و با ۵۳ گویه به حداکثر امتیاز ۲۶۵ و حداقل امتیاز ۵۳ سنجیده شده است.

توسعه پایدار اجتماعی

شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند (هال، ۱۹۹۳). از نظر کالبدی، توسعه پایدار یعنی، تغییراتی که در کاربری زمین و سطوح تراکم برای رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا به عمل می‌آید تا در طول زمان شهر را از نظر زیست قابل سکونت و زندگی، از نظر اقتصادی با دوام و از نظر اجتماعی همبسته نگه دارد (موکومو، ۱۹۹۶).
تعریف عملی: در این پژوهش متغیر توسعه پایدار اجتماعی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته اندازه‌گیری و با ۵۶ گویه به حداکثر امتیاز ۲۸۰ و حداقل امتیاز ۵۶ سنجیده شده است.

مبانی نظری پژوهش

ولکوک نوع دیگری از سرمایه‌های اجتماعی را با عنوان سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده به دو نوع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی اضافه کرد. با این بینش که هر فرد یا جامعه‌ای که سرمایه ارتباط‌دهنده را داشته باشد، توانمند است. در واقع، او دو نوع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و ارتباط‌دهنده را از یکدیگر تفکیک کرده است (Woolcock, 2001). سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا انحصاری حول خانواده و دوستان صمیمی و سایر خویشاوندان نزدیک بنا شده و درون‌گرایانه است و به گروه‌های همگون گرایش دارد. سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده یا جامع افراد

بر سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده چگونه می‌تواند بر پایداری اجتماعی شهر تهران مؤثر واقع شود؟

روش پژوهش

این پژوهش به جهت استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد و محقق ساخته، میدانی (پیمایشی)^۲ محسوب می‌شود. جمعیت آماری پژوهش را شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تهران تشکیل داده و تعداد افراد نمونه (براساس فرمول محاسبه n برای روش نمونه‌گیری خوشه‌ای) برابر با ۳۸۴ نفر است که در پنج منطقه ۱، ۵، ۸، ۱۱ و ۱۷ شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شدند. فرمول شماره یک جهت برآورد واریانس:

$$s_c^2 = \frac{1}{n-1} \sum_{i=1}^n (y_i - \bar{y}m_i)^2$$

فرمول شماره دو جهت تعیین حجم نمونه:

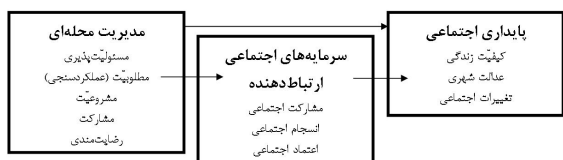
$$n = \frac{N\sigma_c^2}{ND + \sigma_c^2}$$

ابزار گردآوری داده‌ها، دارای روایی صوری است و آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسشنامه، برابر با ۰/۸۹۶ به دست آمده است. این پژوهش دارای متغیر مستقل (مدیریت محله‌ای)، متغیر میانجی (سرمایه اجتماعی) و متغیر وابسته (پایداری اجتماعی) است که تعاریف نظری و عملی آنها به شرح زیر است:

مدیریت محله‌ای

مدیریت محله‌ای، مدیریت منابع و مسائل جاری محله از طریق عمل جمعی اختیاری و مردمی است (واید، ۱۹۸۷؛ پومروی، ۱۹۹۴؛ ماهونی، ۲۰۰۷). مدیریت محله در آیین نامه سامان‌دهی مشارکت‌های اجتماعی در محله‌های شهر تهران (۱۳۹۳) چنین تعریف شده است: «مدیریت محله‌ای»، نهادی مردمی، غیرانتفاعی و خودگردان از لحاظ مالی است که به دنبال جلب، سامان‌دهی و ترویج مشارکت‌های مردمی، توسعه و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در مقياس محله‌ای و اداره بهینه مراکز و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی شهرداری در مقياس محله‌ای، با تعامل و استفاده از ظرفیت‌های شهرداری تهران و در چارچوب سیاست‌ها و برنامه‌های کلان مدیریت شهری در سطح محله‌های شهر تهران تشکیل شده‌اند و فعالیت دارند. در این پژوهش مدیریت محله‌ای در ابعاد ۱. مشارکت، ۲. مطلوبیت، ۳. رضایت-مندی، ۴. مقبولیت و ۵. مسئولیت مورد سنجش قرار گرفته است.

تعریف عملی: در پژوهش حاضر متغیر مدیریت محله‌ای با استفاده از پرسشنامه استاندارد Communities of Sustainable Europe (CoSE, 2013) و محقق ساخته اندازه‌گیری و با ۶۸ گویه به حداکثر امتیاز ۳۴۰ و حداقل امتیاز ۶۸ سنجیده شده است.



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی ارتباط بین مدیریت محله‌ای با پایداری اجتماعی از طریق سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده

با توجه به مدل بالا، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر خواهند بود:
- مدیریت محله‌ای بر سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده در شهر تهران تأثیر معناداری دارد.
- مدیریت محله‌ای با استفاده از سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، تأثیر معناداری بر پایداری اجتماعی شهر تهران دارد.

بررسی و مرور یافته‌ها

تحلیل توصیفی از یافته‌ها

در جدول شماره ۱ که فراوانی، میانگین و انحراف معیار شاخص‌های متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد، نشانگر این واقعیت است که توزیع داده‌ها پراکنده نبوده و حول محور میانگین با اندکی تفاوت از هم بوده است. به عبارت دیگر؛ پراکندگی داده‌ها شبیه به هم بوده و از توزیعی تقریباً نرمال برخوردار بوده‌اند. با مشاهده میانگین‌های وزنی هم که در جدول منعکس شده است، مشخص می‌شود که مرکز ثقل داده‌ها حوزه موافقت بوده است.

را با آشنایان دورتری که در حلقه‌های غیر از حلقه خودشان قرار دارند ارتباط می‌دهد و به ایجاد هویت‌های وسیع‌تر و بده-بستان گسترده‌تر گرایش دارد.

ولکوک معتقد است سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده برای پیشرفت ضروری است و می‌تواند منجر به توسعه پایدار در شهر شود. وی خانواده را واضح‌ترین نمونه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و جامعه مدنی را که در عمل و از نظر قانونی درهای آن روی همه شهروندان باز است نمونه ناب سرمایه اجتماعی میان‌گروهی می‌نامد. از نظر وی سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هم‌آهنگی و همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱. شبکه‌های مشارکت مدنی، ۲. هنجارهای معامله متقابل، ۳. اعتماد اجتماعی (Woolcock, 2001). وی هم‌چنین سرمایه‌های اجتماعی را حلقه ارتباط بسیاری از مفاهیم و مولفه‌ها می‌داند. به عنوان مثال مدیریت محله‌ای از طریق سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند به توسعه پایدار در شهر منجر شود که در این میان، سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده مهم‌ترین نوع سرمایه قلمداد می‌شوند. بنابراین براساس نظریه ولکوک، می‌توان مدل مفهومی (نظری) زیر را برای تبیین موضوع ارائه کرد:

جدول شماره ۱: جدول آماره‌های متغیرها و شاخص‌های پژوهش

متغیر / شاخص	مناطق	فراوانی	درصد فراوانی	میانگین	انحراف معیار
مشارکت	منطقه ۱	۱۲	۱۳/۶۳	۳/۸۱	۰/۹۸۶
	منطقه ۵	۱۶	۱۸/۲۰	۴/۲۲	۰/۸۸۷
	منطقه ۸	۲۸	۳۱/۸	۳/۷۹	۰/۵۶۹
	منطقه ۱۱	۱۴	۱۵/۹	۳/۳۳	۰/۵۴۸
	منطقه ۱۷	۱۸	۲۰/۴۵	۳/۵۶	۰/۷۷۸
مطلوبیت	منطقه ۱	۲۷	۱۸/۷۵	۳/۵۱	۰/۸۹۶
	منطقه ۵	۴۴	۳۰/۷۶	۳/۶۴	۱/۲۵۶
	منطقه ۸	۲۰	۱۳/۹۸	۲/۸۱	۱/۲۲۵
	منطقه ۱۱	۱۴	۹/۷۹	۳/۶۵	۰/۳۲۵
	منطقه ۱۷	۳۸	۲۶/۵۷	۳/۳۰	۰/۸۹۵
رضایت‌مندی	منطقه ۱	۲۹	۲۳/۵۷	۳/۵۷	۰/۷۵۹
	منطقه ۵	۳۶	۲۹/۲۶	۳/۲۶	۰/۷۴۶
	منطقه ۸	۲۴	۱۹/۵۱	۳/۸۳	۰/۹۶۱
	منطقه ۱۱	۱۴	۱۱/۳۸	۳/۶۵	۰/۷۹۵
	منطقه ۱۷	۲۰	۱۶/۲۶	۴/۱۴	۰/۶۸۷

متغیر / شاخص	مناطق	فراوانی	درصد فراوانی	میانگین	انحراف معیار
اعتماد اجتماعی	منطقه ۱	۱۱	۱۱/۸۲	۳/۹۵	۰/۷۴۵
	منطقه ۵	۲۰	۲۱/۵	۳/۶۳	۰/۸۴۳
	منطقه ۸	۲۸	۳۰/۱	۳/۶۰	۰/۸۲۶
	منطقه ۱۱	۱۲	۱۲/۹	۳/۷۴	۰/۷۴۶
	منطقه ۱۷	۲۲	۲۳/۶۵	۳/۶۷	۰/۶۹۸
مشارکت اجتماعی	منطقه ۱	۲۶	۱۵/۷۵	۳/۷۳	۰/۶۷۸
	منطقه ۵	۳۲	۱۸/۲۸	۳/۷۰	۰/۷۴۵
	منطقه ۸	۳۳	۱۸/۸۵	۳/۶۸	۰/۷۶۹
	منطقه ۱۱	۲۲	۱۲/۵۷	۴/۱۰	۰/۸۵۲
	منطقه ۱۷	۵۲	۲۹/۷۱	۳/۷۵	۰/۶۹۸
اجتماعی	منطقه ۱	۱۷	۱۵/۷۴	۳/۵۰	۰/۸۴۲
	منطقه ۵	۲۱	۲۰/۱۹	۳/۶۵	۰/۶۵۸
	منطقه ۸	۲۴	۲۳/۰۷	۳/۹۳	۰/۴۵۹
	منطقه ۱۱	۲۰	۱۹/۲۳	۳/۵۷	۱/۳۶۵
	منطقه ۱۷	۲۶	۲۵/۰	۳/۸۱	۰/۴۵۸
زیست محیطی	منطقه ۱	۱۰	۱۲/۹۸	۳/۸۵	۰/۷۹۶
	منطقه ۵	۱۶	۲۰/۷۷	۳/۸۷	۱/۴۵۹
	منطقه ۸	۲۱	۲۷/۲	۳/۷۸	۰/۲۵۶
	منطقه ۱۱	۱۰	۱۲/۹۸	۳/۸۰	۰/۸۸۹
	منطقه ۱۷	۲۰	۲۵/۹۷	۳/۹۷	۰/۷۹۶

براساس داده‌های به دست آمده در حوزه توسعه پایداری اجتماعی:

– ساکنان منطقه ۱۷ با ۲۵/۰ درصد بیش‌ترین تأکید را بر شاخص کیفیت زندگی و شاخص‌های آن داشته‌اند و کم‌ترین میزان تأکید هم از سوی ساکنان منطقه ۱ با ۱۵/۷۴ درصد بوده است.

– ساکنان منطقه ۸ بر عدالت شهری با ۲۷/۲ درصد بیش‌ترین تأکید را داشته و نیز ساکنان مناطق ۱ و ۱۱ با ۱۲/۹۸ درصد کم‌ترین تأکید را داشته‌اند.

از سوی دیگر ساخت محلات مناطق هم در یافته‌های توصیفی مورد بررسی قرار گرفت.

مدیریت محله در شاخص‌های کالبدی و در معیار کیفیت مناسب، مناسب‌ترین زیرساخت را در مناطق ۱ و ۵ مهیا کرده، اما مناسب بودن کیفیت بنا فقط در منطقه ۱ اتفاق افتاده است.

در معیار کیفیت محیطی، بازم منطقه ۱ و ۱۱، مناسب‌ترین معماری منظر و سیمای محله را دارا بوده است. عناصر مهم و شاخص در محله، در منطقه ۱۱ بیش از سایر مناطق بوده و بافت هیچ کدام از مناطق مورد تأیید ساکنان نبوده است.

به لحاظ شاخص کیفیت عملکردی، مدیریت محله، نتوانسته است تسهیلات و امکانات رفاهی لازم را برای ساکنان در هیچ کدام از مناطق مهیا نماید، بنابراین ساکنان تمام مناطق برحسب انتظار خود از محل سکونت و محله، احساس برآورد نشدن خواست‌های‌شان را دارند.

براساس داده‌های به دست آمده از جدول شماره ۱، در حوزه مدیریت محله‌ای:

* بیش‌ترین میزان مشارکت متعلق به منطقه ۸ با ۳۱/۸ درصد بوده و کم‌ترین میزان مشارکت را ساکنان منطقه ۱ با ۱۳/۶۳ درصد به خود اختصاص داده‌اند.

* بیش‌ترین میزان مطلوبیت عملکرد از دید پاسخ‌گویان، ساکنان منطقه ۵ با ۳۰/۷۶ درصد بوده و نیز کم‌ترین آن به ساکنان منطقه ۱۱ با ۹/۷۹ درصد تعلق داشته است.

– بیش‌ترین میزان رضایت مندی به ساکنان منطقه ۵ با ۲۹/۲۶ درصد و کم‌ترین میزان رضایت مندی به ساکنان منطقه ۱۱ با ۱۱/۳۸ درصد تعلق داشته است.

براساس داده‌های به دست آمده در حوزه سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده:

– ساکنان منطقه ۸ بیش‌ترین اعتماد اجتماعی با ۳۰/۱ درصد و ساکنان منطقه ۱ با ۱۱/۸۲ درصد کم‌ترین میزان اعتماد اجتماعی را به شورایی‌ها و برنامه‌های شهری و منطقه‌ای داشته‌اند.

– ساکنان منطقه ۱۷ با ۲۹/۷۱ درصد بیش‌ترین میزان مشارکت اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند و کم‌ترین میزان متعلق به ساکنان منطقه ۱ با ۱۵/۷۵ درصد بوده است.

تحلیل استنباطی یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول شماره ۲ که رابطه بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد، در می‌یابیم که مدیریت محله‌ای با سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده در سطح صکومتر از ۰/۰۱ برابر با ۰/۷۶۳ بوده که نشان دهنده رابطه‌ای قوی، مستقیم و تنگاتنگ است. رابطه بین متغیر میانجی یا همان متغیر سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده نیز شدید و مستقیم بوده است که در سطح کمتر از ۰/۰۱ و با رقم ۰/۸۳۲ در جدول منعکس شده است.

جدول شماره ۲: جدول محاسبه رابطه بین متغیرهای پژوهش

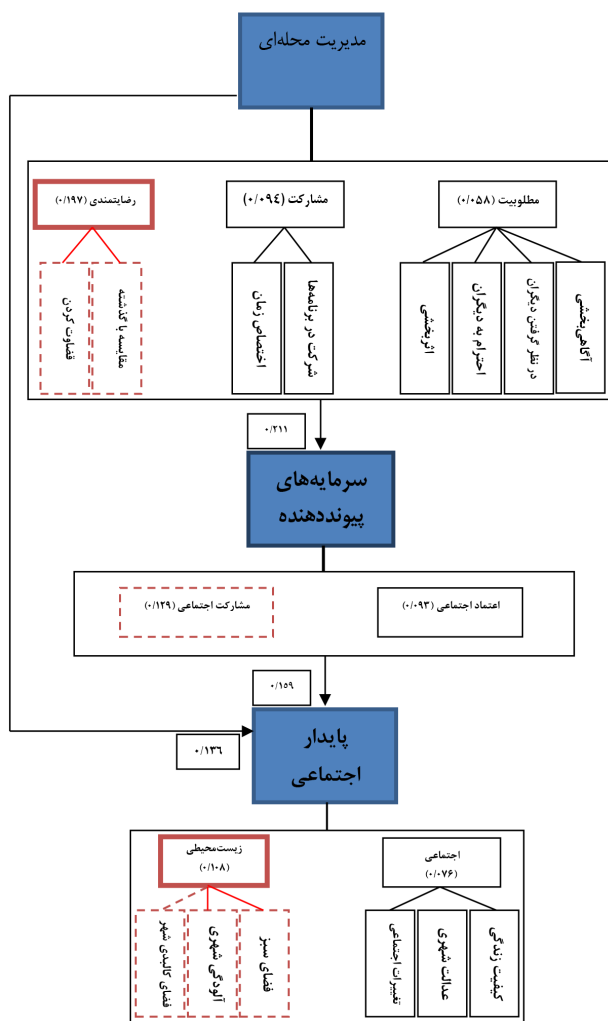
متغیرهای پژوهش	مدیریت محله‌ای	سرمایه‌های پیونددهنده	پایداری اجتماعی
مدیریت محله‌ای	Pearson Correlation	1	.774**
	Sig. (2-tailed)		.000
سرمایه‌های پیونددهنده	Pearson Correlation	.763**	.832**
	Sig. (2-tailed)	.000	.000
پایداری اجتماعی	Pearson Correlation	.774**	1
	Sig. (2-tailed)	.000	.000

زیرا یک واحد تغییر در انحراف معیار آنها (مدیریت محله‌ای و سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده) باعث می‌شود تا انحراف معیار متغیر پایداری اجتماعی به اندازه ۰/۷۶ و ۰/۸۸ تغییر کند.

برازش مدل پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر ۱۳

نتایج به دست آمده از تکنیک تحلیل مسیر نشان می‌دهد که جمع تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرها در مدل برابر با ۰/۵۶۰ است. به عبارت دیگر، ضریب تعیین به دست آمده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل اول یا مدیریت محله‌ای و متغیر مستقل دوم (میانجی) یا سرمایه‌های اجتماعی به میزان حدود ۶۰ درصد از سطح متغیر پایداری اجتماعی را تبیین کرده است. مدل نهایی پژوهش را در نمودار شماره ۲ می‌بینیم، هم‌چنین مهم‌ترین شاخص‌های تعیین‌کننده مشخص شده‌اند:

نمودار شماره ۲ که مدل نهایی پژوهش محسوب می‌شود در واقع بدین معنی است که مدیریت محله‌ای در فرایند تأثیرگذاری بر پایداری اجتماعی، از طریق سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده بهره می‌گیرد. در شهر تهران، سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده بر اساس پژوهش‌های انجام شده (توکلی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۱؛ مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲؛ محمدی و دیگران، ۱۳۹۲)، وجود



نمودار شماره ۲: مدل نهایی پژوهش

با مشاهده نتایج به دست آمده مشخص می‌شود که مدیریت محله‌ای کارآمد و بهینه منجر به رشد سرمایه‌های بالفعل پیونددهنده و مشارکت حجاجو خواهد شد و این روند نیز منجر به افزایش پایداری اجتماعی در قالب کیفیت زندگی و عدالت شهری خواهد شد.

بررسی فرضیه اول پژوهش: مدیریت محله‌ای بر سرمایه اجتماعی تأثیر معناداری دارد.

با توجه به سطح معناداری گزارش شده که از ۰/۰۰۱ کوچکتر است، بنابراین تأثیر و ارتباط بین دو متغیر وجود دارد. اعداد گزارش شده در ستون‌های تخمین و تخمین استاندارد میزان تأثیر متغیر سرمایه اجتماعی بر متغیر مدیریت محله‌ای را گزارش می‌کنند. هم‌چنین با توجه به آماره t این مسیر ($t=3.287 > 2.58$) می‌توان نتیجه گرفت با احتمال ۹۵ درصد، فرض صفر رد شده و فرضیه یک مورد تأیید است. بنابراین مدیریت محلی بر سرمایه اجتماعی تأثیر معناداری دارد.

بررسی فرضیه دوم پژوهش: مدیریت محله‌ای با استفاده از سرمایه‌های اجتماعی تأثیر معناداری بر پایداری اجتماعی تهران دارد.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که متغیرهای مدیریت محله‌ای و سرمایه‌های اجتماعی در پیش‌گویی متغیر پایداری اجتماعی نقش وافر دارند (براساس مقادیر بتای استاندارد). بنابراین می‌توان قضاوت کرد که متغیرهای مدیریت محله‌ای (۰/۸۷۱) و سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده (۰/۷۶۳)، به ترتیب سهم بیش‌تری در پیش‌گویی متغیر پایداری اجتماعی دارند.

کافی ندارد. اعداد و ارقام به دست آمده نظریه ولکوک (۲۰۰۱) را مبنی بر این که سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، توده‌ای از منابع بالفعل بوده که با شبکه اجتماعی با دوامی در ارتباط هستند را تایید می‌کند. این سرمایه‌ها با داشتن شاخص‌هایی نظیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، تعدد ارتباط‌هایی دارند که منابع قدرت را تحت تاثیر قرار داده و می‌توانند برنامه‌ها و فعالیت‌های مدیران محله‌ای را به پایداری اجتماعی و زیست محیطی منتهی کنند. اثر متقابل سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده با مدیریت محله‌ای و پایداری اجتماعی به خوبی هویدا است.

مدل نهایی پژوهش نشان می‌دهد که اگر بخواهیم راهبردهایی برای سرمایه‌گذاری جمعی مبتنی بر مشارکت داشته باشیم، باید سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده را به صورت زیرساختی، برحسب دو معیار اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی راهبری کنیم، تا بتوان مدیریت محله‌ای را با مهم‌ترین شاخص‌های آن یعنی مطلوبیت عملکرد، رضایت مندی از برنامه‌ها و... و نیز مشارکت همگانی به پایداری اجتماعی در دو بعد اجتماعی و زیست محیطی برسانیم.

نتیجه‌گیری

مدیریت محله‌ای در محیط کالبدی، فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. نحوه تعامل و میزان شبکه‌سازی ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی اهالی ساکن در محیط و نوع روابطی که آنها با محیط (به‌ویژه جامعه محلی و مدیران سازمان‌هایی مانند شهرداری) با یکدیگر دارند، تأثیر بسیاری بر عملکرد و اثربخشی آن دارد. بخش عمده و معنادار سازنده این ساختار، سرمایه‌های اجتماعی هستند. سرمایه‌هایی که دارای جنبه‌های الگو شده و قاعده‌مندی از روابط، ارزش‌ها و هنجارها هستند، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و رسمی را شکل می‌دهند. اگر این روند انجام شود، سرمایه‌های اجتماعی نقشی تسهیل‌گر و رابط داشته و تنها در این شرایط است که تجمیع ظرفیت‌ها و استعدادها پراکنده محلی، به‌صورت جمعی و گروهی در اختیار جامعه برای تحقق پایداری اجتماعی قرار می‌گیرد.

زمانی که سرمایه‌های اجتماعی پیوندی و ارتباط‌دهنده شکل بگیرد، مدیریت محله‌ای به پایداری اجتماعی خواهد رسید. مدیریت محله‌ای که به دنبال افزایش مشارکت شهروندان و ساکنان محله است وجود ساختارهای مشارکت را مانند برنامه‌ریزی در جهت برنامه‌های جمعی و محله‌ای و اختصاص زمان برای امور محله تقویت کرد و سعی در شفاف‌سازی و مطلوبیت عملکرد خود با آگاهی‌بخشی می‌کند. فرایند آگاهی‌بخشی، به روند در نظر گرفتن ساکنان محله کمک می‌کند و رفته‌رفته عملکرد مدیریت محله‌ای، اثربخش خواهد شد. سپس میزان رضایت مندی ساکنان با قضاوت کردن در مورد ساختار و عملکرد

مدیریت محله‌ای و مقایسه کردن با گذشته، افزایش قابل توجهی خواهد یافت. این فضا، به معنی این است که مدیران محلی، دارای حس تعهد و مسئولیت هستند و وظایف خود را به درستی انجام می‌دهند و این که مدیریت محله‌ای چون از نظرات دیگران بهره می‌برد و از آنها حمایت و پشتیبانی می‌نماید، مشروعیت می‌بخشد. مشروعیت بخشیدن به عملکرد مدیران محلی با حلقه‌های سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده هم‌گام شده و پایداری اجتماعی، برآیند آن خواهد بود.

در مجموع با توجه به یافته‌های پژوهش، در شهر تهران، سرمایه‌های اجتماعی درون‌گروهی به وفور وجود دارد و از این حیث مشکلی وجود ندارد، اما این نوع سرمایه‌های اجتماعی (درون‌گروهی) در فرایند تحقق مشارکت، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی و... تأثیر چندانی ندارند. از سوی دیگر، سرمایه‌های اجتماعی برون‌گروهی ناچیزی در شهر تهران محقق شده است و مهم‌تر از همه، محققاً از سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده خبری نیست. در این شرایط مدیریت محله‌ای براساس نظریه ولکوک، چون از طریق این سرمایه اجتماعی پیونددهنده بر پایداری اجتماعی تأثیر می‌گذارد و این نوع از سرمایه هم در بستر جامعه، وجود ندارد، بنابراین پایداری اجتماعی هم محقق نشده است. برای این که مدیریت محله‌ای به پایداری اجتماعی از طریق سرمایه اجتماعی پیونددهنده بیانجامد، لازم است تا پیشنهادها کاربردی در جهت تقویت دو نوع سرمایه اجتماعی ذکر شده ارائه شود و در نهایت به تأثیرگذاری مدیریت محله‌ای بر پایداری اجتماعی بیانجامد:

۱. ایجاد فضاهای مناسب عمومی برای تقویت تعاملات اجتماعی درون محله‌ای و یا پیش‌بینی فضاهایی برای انجام و برگزاری مراسم مختلف اهالی محله از جمله سوگواری، سخنرانی، جشن‌ها و...؛
۲. حمایت مدیران محلی از تشکیل نهادهای مشارکتی مانند شرکت‌های تعاونی محله، سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های اجتماع‌محورها، و غیره به منظور افزایش حس همبستگی و تجانس محله‌ای و در نهایت تقویت مشارکت محلی؛
۳. برای افزایش به‌کارگیری سرمایه‌های پیوندی و ارتقای مشارکت‌های همگانی توجه به نقش و حضور بزرگان محله، بانوان و کودکان مستقر در محله و واگذاری تعهداتی به ایشان، به عنوان مثال نقش همیار پلیس برای کودکان، نقش گردانندگان شرکت‌های تعاونی برای بانوان و حمایت از راه‌اندازی خبرگزاری و اطلاع‌رسانی محلی و ارسال اخبار به ساکنان و دیگر محله‌های سطح شهر؛
۴. فراهم ساختن مکانی به عنوان نماد محله برای تجمع و تفریح افراد محله، مکان‌هایی ویژه و زیبا که نمادهایی از گذشته و آینده محله را در خود داشته باشد؛

14. Das, D (2014), "Urban Quality of Life: A case study of Guwahati", Social Indicators Research, 88.

15. Egger, Steve (2005), "Determining a sustainable city model", Environmental modelling and Software.

16. Friedman, John (1993). "Toward an non euclidion mode of planning", JAPA journal, Autumn, 43-44.

17. Hall, P (2005), "Toward Sustainable, livable and innovative cities for 21st", century, In proceeding of the Third Conference of the World Capitals, Tokyo, pp. 22-28.

18. Jenkins, R. (1992) Pierre Bourdieu, London: Routledge.

19. L. Moss, M; M. Kaufman, S. and M. Townsend, A (2006), "the relationship of sustainability to telecommunications", Technology in Society 28: (235-244).

20. Mukomo, S (1996), "On Sustainable Urban development in sub-Saharan Africa Cities". 13(40). 265-271.

21. Mahony, S.O (2007), "The governance of open source initiatives: what does it mean to be community managed?", Journal of Management and Governance (subscription required).

22. Putnam, R. D. (2000) Bowling Alone: the collapse and revival of American community, Simon and Schuster, New York.

23. Robison, L. J., Schmid, A.A. and Siles, M. E. (2002) 'Is Social Capital Really Capital?' Review of Social Economy, 60, i, 1-21.

24. Turner, Janathan. H (2000), "The formation of social capital in social capital, A multifaceted perspective". Edited by partha dasgupta, Ismail seragedin. World Bank.

25. Wade, R (1987), "The management of common property resources", Cambridge Journal of Economics.

26. Pomeroy, R. S (1994), "Community management and common property of coastal fisheries in Asia and the Pacific".

27. Villa, D (2001), "Socratic Citizenship", Princeton University Press, Princeton & Oxford.

28. Woolcock, M. M (2001), "The place of social capital in understanding social and econ-omic outcomes", Isuma: Canadian Journal of Policy Research, 2(1), 11 – 17.

29. Woolcock, M. (1998) Social Capital and Economic Development: toward a theoretical synthesis and policy framework, Theory and Society, 27, 2, 151-208.

۵. برگزاری کلاس‌های آموزش عمومی و خانوادگی برای اهالی محله برای افزایش توانمندی‌ها، آگاهی‌ها و تغییر جهت‌گیری‌های ذهنی افراد در جهت منافع محله؛ مانند کلاس‌های آموزش حقوق، توانمندسازی و....

فهرست منابع و مراجع

۱. اسلامی، غلامرضا (۱۳۸۱)، «مواجهه با مشکلات و توسعه درون‌زا»، نشریه صفا، سال ۱۳۸۱، شماره ۳۴.

۲. بدری، حبیب‌الله (۱۳۸۷)، «رابطه بین نگرش به جهانی شدن و نگرش به حقوق شهروندی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

۳. توکلی‌نیا، حمیده؛ مجید اسکندرپور و مجتبی برمدی (۱۳۹۱)، «درآمدی بر حکمروایی خوب شهری: ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌های فراوری تحقق آن در ایران»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال پنجم، شماره اول، ۱۵۲-۱۳۵.

۴. حاتمی‌نژاد، حسین؛ احمد پوراحمد و داود عیوضلو (۱۳۹۳)، «واکوی ظرفیت سرمایه اجتماعی شهری محلات شهری در سامان‌دهی بافت‌های فرسوده، مطالعه موردی: منطقه ۹ شهرداری تهران»، آمایش جغرافیایی فضا، سال چهارم، شماره ۱۳، ۹۳-۶۷.

۵. خاک‌پور، براتعلی؛ مافی عزت‌اله و علیرضا باوان‌پوری (۱۳۸۸)، «نقش سرمایه‌های اجتماعی در پایداری محله‌های (نمونه: کوی سجاده مشهد)»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۷، شماره ۲، صص ۸۱-۵۵.

۶. رضازاده، راضیه؛ فاطمه محمدی و مجتبی رفیعیان (۱۳۹۲)، «نقش رویکرد دارایی‌مبنا در پایداری اجتماعات محلی»، فصلنامه علمی پژوهشی نظر، سال دهم، شماره ۲۵.

۷. رفیعیان، مجتبی و محمد شالی (۱۳۹۱)، «تحلیل فضایی سطح توسعه‌یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری»، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره شانزدهم، شماره ۴، ۴۹-۲۵.

۸. فیلد، جان (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی، مترجم: احمدرضا اصغرپور، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۹. محمدی، کاوه و دیگران (۱۳۹۲)، «نقش دفاتر تسهیل‌گری در سرعت‌بخشی به شهرسازی مشارکتی در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: منطقه ۹ شهری)»، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۱، ۵۴-۴۳.

۱۰. مشکینی، ابوالفضل و دیگران (۱۳۹۲)، «ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری (مطالعه موردی: محله اوبن، تهران)»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ششم، ۴۲-۳۱.

۱۱. معصومی، سلمان (۱۳۹۰)، مدیریت توسعه مشارکت‌های محله‌ای در راستای پایداری کلان‌شهر با تأکید بر حکمروایی خوب، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران.

۱۲. مولدان، بدریچ و سوزان بیلهاوزر (۱۳۸۱)، شاخص‌های توسعه پایداری، ترجمه و تدوین نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم‌نژاد، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست، تهران.

13. Babaei, H., Ahmad, N., and Gill, S. S. (2012). Bonding, bridging and linking social capital and empowerment among squatter settlements in Teheran, Iran. World Applied Sciences Journal, 17(1), 119-126.